



لبنان:

از بحران زباله تا شورش اجتماعے

گردآوری و ترجمه: آرام نوبخت



گرایش  
بلشویک  
لنینیست‌های ایران  
Leninist.org



از سری جزوات بلشویک-لنینیست‌ها

## لبنان: اعتراضات توده ای علیه یک رژیم فرقه ای فاسد



### سرژ جردن

طی دو هفته گذشته، لبنان را موجی از اعتراضات مردمی درنوردیده است؛ جرقه های اولیه این اعتراضات را انباشته شدن چندین تن زباله در خیابان های بیروت، پایتخت کشور لبنان، روشن کرد، که این خود شاخصی از فساد افسارگسیخته و بی کفایتی بروکراتیک همه جانبه صاحبان قدرت، و حرص و ولع شرکت های خصوصی بزرگ است.

روز ۱۷ ژوئیه، قرارداد حکومت با «سوکلین» (Sukleen)، یک شرکت خصوصی مسئول جمع آوری زباله ها در «بیروت الکبری» (بیروت و حومه)، منقضی و همین منجر به تعلیق و وقفه در خدمات جمع آوری زباله شد. سیاستمداران حکومت که به دنبال آنند از طریق پیوندهایی با صاحبان شرکت های خصوصی مختلف رقیب در مناقصه تجدید این قرارداد، جیب های خود را پر کنند، نتوانسته اند راه حل میسری برای پاکسازی خیابان های شهر از کوه زباله ارائه نمایند. این وضعیت منجر به لطمات زیست محیطی و بهداشتی رو به رشدی شده است که خطر گسترش وبا و سایر بیماری های خطرناک را دربردارد.

گرمای شدید تابستان نیز وضعیت را وخیم تر کرده و منجر به پخش بوی تهوع آور زباله ها شده است که این خود، به بیان استعاری، بیانگر جو خفقان و غیرقابل تنفس جامعه ای است که در منجلاب فساد، سقوط اجتماعی

فزاینده، فلج شدگی سیاسی و اختلال مزمن دولت فرو رفته است. صحنه سیاست رسمی لبنان عمیقاً از هم گسیخته و کشور بیش از یک سال بدون رئیس جمهور بوده است (پارلمان روز چهارشنبه، برای ۲۸مین بار از انتخاب یک رئیس جمهور جدید عاجز ماند) و پارلمان تاکنون دو بار از سال ۲۰۰۹ به این سو برخلاف قانون اساسی دوره فعالیت خود را تمدید کرده است.

گروهی از فعالین جوان کارزاری را با نام «طلعت ریحتکم» (بوی تان درآمد) در اعتراض به وجود زباله، به خصوص زباله های سیاسی در قدرت، به راه انداختند. تا پیش از سرعت گرفتن آهنگ این کارزار، شماری از تظاهرات کوچک وجود داشت که نهایتاً در روزهای ۲۲ و ۲۳ اوت به مرحله انفجار رسیدند.

فراخوان به اعتراض در روز شنبه ۲۲ اوت، روزنه ای را برای هزاران جوان لبنانی و خانواده ها باز کرد تا خشم خود را نسبت به حکومت و وضعیت عمومی جامعه تخلیه کنند. اگر معضل زباله را یک نقطه تحول بدانیم، در این صورت باید به یاد داشت که خشم نسبت به عملکرد وحشتناک نخبگان حاکم تا پیش از آن در حال انباشته شدن بوده است. اهداف معترضین به سرعت از بحران زباله فراتر رفت و به خواست پایان دادن به فساد گسترده و نابرابری های عظیم اجتماعی، بیکاری شایع جوانان، قطعی روزانه برق و کمبود آب و نظام سیاسی فرقه ای که هم چون طاعون چندین دهه کشور را فراگرفته، ارتقا یافت.

## سرکوب

تمرکز بزرگ معترضینی که همان روز با ایده یک اقدام جمعی و از پایین برای خواست تغییر واقعی به بیروت آمده بودند، لرزه بر پیکر وزارتخانه ها انداخت. مقامات با بی رحمی به اعتراضات واکنش نشان دادند؛ نیروی پلیس با شلیک گاز اشک آور، ماشین آبپاش، گلوله پلاستیکی و حتی واقعی، بازداشت و ضرب و شتم صدها معترض، مداخله کرد. یکی از معترضین در بخش مراقبت های ویژه بیمارستان است، و چند صد تن دیگر در این خشونت ها مجروح شده اند. تاکنون ده ها نفر نیز بازداشت شده اند. کمیته انترناسیونال کارگری در لبنان، علاوه بر سایر مطالبات خود، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی کسانی است که هنوز در بازداشت هستند.

حکومت لبنان با سرکوب سریع و زننده خود، تنها نشان داد که قابلیت اش برای حذف معترضین به مراتب بیش از رفع کوه زباله هایی است که خیابان ها و پیاده روهای شهر را مسدود کرده. این چیزی است که تصور می کرد. منتها واکنش بی رحمانه ماشین دولتی، مردم را بیش تر خشمگین کرد، و موجب شد که شورش

هم‌چون گلولهٔ برف در سراسییبی، مدام بزرگ تر شود. نزدیک به ۱۰ هزار معترض روز ۲۲ اوت در خیابان‌ها حضور یافتند؛ یعنی دست‌کم دو برابر تعدادی که روز بعد به خیابان‌ها بازگشت.

در آغاز هفتهٔ گذشته، حکومت تصمیم گرفت دیواری بتنی را در نزدیکی دفتر نخست‌وزیر در مرکز بیروت نصب کند؛ اما طی تنها ۲۴ ساعت وادار شد تحت فشارهای عمومی آن را بردارد. تزلزل‌هایی از این دست نشان می‌دهد که طبقهٔ حاکم تا چه حد از انفجارهای اجتماعی وسیع‌تر به وحشت افتاده و تا چه حد برای جلوگیری از آن‌ها به هر بهایی، تقلا می‌کند. روز شنبهٔ بعد، ۲۹ اوت، ده‌ها هزار معترض - که طبق برخی تخمین‌ها به ۶۰ هزار نفر می‌رسید- از اقصی نقاط لبنان به یک راهپیمایی وسیع در بیروت سرازیر شدند. فضای امید، شور و اطمینان حکمفرما بود. «باشد که قدرت فاسدین، با شروع از نمایندگان پارلمان، سقوط کند» و «بوی تعفن می‌دهید! بدرود فاسدین!» از جمله شعارهای جمعیت بود. بر خلاف آخر هفتهٔ گذشته، سرکوب پلیسی در وضعیت تدافعی بود، چرا که حکومت احساس می‌کرد سرکوب، غیرکارآمد خواهد بود و تنها می‌تواند همبستگی عمومی با جنبش را افزایش بدهد.

### «اقدام مردمی متحد» در برابر سیاست «تفرقه و حکومت»

دو بلوک سیاسی اصلی کشور - یعنی اتحاد «۸ مارس» به رهبری حزب الله و اتحاد ضدّ اسد موسوم به «۱۴ مارس» - زیر نفوذ سیاستمداران فاسد جنگ افروزی قرار دارند که متکی به شبکه‌های خرید و جلب رأی، فرقه‌های مذهبی و شبه نظامیان مرتبط با هر یک از فرقه‌ها هستند، و هر دو در صف قدرت‌های خارجی فرقه‌ای رقیب - به ترتیب جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی - جای می‌گیرند که متحدین و شاخه‌هایشان مشغول دامن زدن به جنگ‌هایی علیه یک دیگر در سرتاسر منطقه هستند.

با این وجود اعتراضات اخیر، حمایت مردم لبنان را از پیشینه‌های مذهبی و قومی مختلف به سوی خود جلب کرده است: مسیحیان، سنی‌ها، شیعیان و درزی‌ها همراه با پناهندگان سوری و فلسطینی، برای اهداف مشابهی متحد شده‌اند. این به وضوح نشان می‌دهد در زیر پوست جامعه، یک تمایل و اشتیاق واقعی برای وحدت جریان دارد؛ فرقه‌گرایی عمیقی که کل کشور و سیاست منطقه را متأثر کرده است، سرنوشت



محتوم مردم خاورمیانه نیست، بلکه در عوض این «بازی قدرت» نخبگان حاکم و شهوت آن‌ها برای سود است که به فرقه‌گرایی دامن می‌زند.

شعار «مردم خواهان سقوط رژیم اند» و تظاهرات خیابانی توده‌ای با شرکت ده‌ها هزار نفر از مردم، یادآور خیزش‌هایی است که تقریباً پنج سال پیش «جهان عرب» را به لرزه درآورد، و مهر تأییدی بود بر این که در زیر دینامیسم مسمومی که نیروهای فرقه‌ای و تنازعات نظامی با آن تمامی کشورها را به تباهی کشانده بودند، خواست تغییر انقلابی حقیقی هنوز در رگ‌های منطقه در جریان است.

### ضعف کارزار «طلعت ریختکم»

در همان حال که کارزار مذکور هم‌چنان به عنوان نمای بیرونی جنبش اعتراضی باقی مانده است، معترضین با مطرح کردن خواست سرنگونی، عملاً جایگزین چهارچوب آن شده‌اند و در حال فراروی از تمایلات اولیه سازماندهان آن هستند.

سازماندهان کارزار برای تحقق دستاوردهای کوچک و ظاهراً «عملی» تر، گرایش به تنزل دادن مطالبات سیاسی خود داشته‌اند تا اتکا به مطالباتی که جنبش از پایین مطرح کرده است. توجه آن‌ها بر استعفای وزیر محیط زیست و دادگاهی کردن وزیر داخله به دلیل سرکوب هفته‌های گذشته متمرکز بوده است.

تردیدی نیست که از این حرکت‌ها استقبال می‌شود، چرا که به جنبش در مورد ظرفیت‌های آن برای وادار کردن حکومت به اعطای امتیازات، اعتماد به نفس می‌دهد. اما اگر قرار باشد مبارزه، خود را به این مطالبات محدود کند، عملاً نظامی را که زاینده این سیاستمداران بوده است از مسئولیت تبرئه می‌کند و صرفاً یک جفت از سیاستمداران منحط و فاسد را با جفت دیگری جایگزین می‌کند.

تأکید فعالان این کارزار بر «عدم مداخله در فعالیت سیاسی»، به شدت متناقض است. چنین دیدگاهی که بخشاً متکی بر ردّ قابل فهم احزاب حکومتی است، مانع از آن می‌شود که جنبش یک چشم انداز سیاسی روشن اتخاذ کند و انگشت روی آن چیزهایی بگذارد که برای جایگزین کردن نخبگان حاکم فعلی نیاز است.

این رویکرد بزدلانه به لحاظ سیاسی از سوی سازماندهان این کارزار، همراه است با یک رویکرد نه‌چندان فراگیر در مورد توده‌تظاهرکنندگان و تازه‌واردان به جنبش و همین‌طور اعضای سایر سازمان‌های سیاسی که به آن‌ها به دیده تردید نگاه می‌کنند. نتیجه امر، محدود کردن تصمیمات در مورد اقدامات اعتراضی به یک تعداد «برگزیده» از مردم است؛ بدون آن که به کل جنبش پاسخگویی وجود داشته باشد.



این رویکرد غیردمکراتیک، با بی اعتنا کردن مردم و متفرق کردن انرژی های کنونی در انواع و اقسام جهات بی حاصل، این خطر را دربر دارد که حرکت جنبش را سقط کند. به عنوان مثال، شماری از فعالین، یک اعتصاب غذای نامحدود را روز پنج شنبه ۴ سپتامبر رو به روی وزارت محیط زیست آغاز کرده اند تا وزیر مربوطه استعفا دهد. هرچند این نشان دهنده عزم برخی از معترضین است، اما یک روش ناشی از استیصال، بسیار خطرناک و انفرادی از مبارزه است که نسبت به پیامدهای مثبت آن بر جنبش وسیع تر، در بهترین حالت باید تردید داشت.



محدودیت های درگیر شدن در چنین اقدامات منفردی، دو روز پیش، یعنی سه شنبه، نمایش داده شد؛ زمانی که حدوداً ۳۰ معترض از کارزار مذکور تصمیم گرفتند به وزارت محیط زیست در بیروت هجوم ببرند و در داخل آن یک تحصن را آغاز کنند. هرچند این اشغال ساختمان می توانست حمایت فعال مردمی را جلب کند، اما این که چنین اقدامی بدون هرگونه سر و صدایی از سوی یک گروه کوچک آن هم در ساعات کار سازمان یافت، تأثیر آن را به شدت پایین آورد و آکسیون را در معرض تقریباً سرکوب فوری و سهل دولت قرار داد. پلیس، برق و دستگاه تهویه داخل ساختمان را قطع کرد، سپس اشغال کنندگان ساختمان را مورد ضرب و شتم قرار داد و به زور بیرون کرد، تعدادی را به شدت مجروح نمود، از جمله خبرنگارانی را که در وسط معرکه باقی مانده بودند.

بنابراین جنبش اگر بخواهد دینامیسم خود را حفظ کند و به پیروزی هایی واقعی دست یابد، نیاز دارد که ساختارهای دمکراتیکی را ایجاد کند. برای بحث های آزاد و تصمیم گیری های دمکراتیک به منظور اتخاذ

استراتژی مورد نیاز برای هدایت مبارزه، متکی بر درس های جنبش طی چند هفته قبل، کمیته های اقدام مردمی و انجمن های محلی در محلات، مفید خواهند بود. از این طریق امکان انتخاب یک رهبری حقیقی و پاسخگو به کل جنبش - به جای رهبران خودخوانده ای که تنها به خودشان جوابگو هستند - ایجاد خواهد شد.

## قدرت طبقه کارگر

روشن است که با وجود هر اندازه انرژی و شجاعت، اعتراضات خیابانی دائمی بدون چشم اندازهای وسیع تر، نهایتاً از تب و تاب خواهند افتاد.

روز ۱۳ اوت، پیش از آن که جنبش اعتراضی اخیر آغاز شود، یک رویداد خاص رخ داد که نشان می داد مبارزه جویی کارگران متشکل، با ضربه مستقیم به منافع کارفرمایان، چه دستاوردی می تواند داشته باشند. کارگران بندر ساحلی بیروت وارد اعتصابی نامحدود علیه تخلیه زباله در نزدیکی تأسیسات بندر که می توانست پیامدهای بهداشتی و ایمنی جدی داشته باشد، شدند. درست چند روز بعد، نخست وزیر وادار شد که طرح تخلیه زباله در آن جا را لغو کند.

همین نمونه ساده نشان می دهد که اگر قدرت اقتصادی طبقه کارگر به طور کامل استفاده شود، جنبش می تواند ضمن پیدا کردن توانی جدید، رژیم حاضر را وادار به عقب نشینی کند. نه فقط این، که کل دولت سرمایه داری را ساقط کند. با وجود تمامی دشواری ها و پیچیدگی هایی که از سال ۲۰۱۱ پدید آمده است، این هنوز یکی از درس های تحولات مصر و تونس است: تشدید موج اعتصابات در هر دو کشور، جزئی تعیین کننده بود که در سقوط دیکتاتورهایی مانند بن علی و مبارک نقش داشت.

برخی اتحادیه های کارگری مستقل از بخش عمومی (معلمان و پزشکان) شبیه گذشته به اعتراض پیوستند. اتحادیه معلمان چندین ماه است که مشغول مبارزه با حکومت برای افزایش دستمزدها بوده اند. کارگران خدمتکار مهاجر در این اقدامات مبارزاتی و ایجاد یک اتحادیه کارگری برای دفاع از حقوق خود و مبارزه علیه شرایط کاری برده وار درگیر شده اند. این مبارزات فراوان از سوی بخش های متعدد کارگران، نیازمند یافتن یک مخرج مشترک با صدای جوانان معترض و سایر بخش های جمعیت است که از مسائل اقتصادی و اجتماعی به ستوه آمده اند. به عنوان شروع، یک اعتصاب عمومی ۲۴ ساعته همراه با تظاهرات مردمی، می تواند آغاز همگرایی برای وارد آوردن ضربه ای نیرومند به حکومت باشد.



ارتباط میان به اصطلاح «معترضین زباله»، جوانان بیکار و اتحادیه های کارگری رادیکال و مبارزات آن ها باید توسعه پیدا کند. برای تحقق این امر، جنبش فعلی نیازمند اتخاذ مطالبات اقتصادی و اجتماعی روشن، با هدف جلب کارگران و دخالت دادن قاطعانه این اقشار در مبارزه است.

در کانون بحران کنونی، بحران سرمایه داری و خصوصی سازی کلان خدمات عمومی به دنبال آن است؛ بسیاری از شرکت های صاحب نفوذ خصوصی و دوستانشان در محافل سیاسی حاکم خود را غنی کرده اند، در حالی که از سوی دیگر افزایش قیمت ها، فقر و فروریزی خدمات پایه ای را برای باقی جمعیت مردم به ارمغان آورده اند.

کمیته انترناسیونال کارگری پیشنهاد می کند که شوراهای دولت و شهر، مسئول مدیریت زباله باشند و نه شرکت های خصوصی. این خدمات باید فوراً تحت مالکیت عمومی درآید. برای آن که چنین چیزی بتواند بادوام باشد، یک طرح بدیل اقتصادی و اجتماعی گسترده ضروری خواهد بود که بتواند به تاراج و فساد سرمایه داری پایان دهد: یک طرح سوسیالیستی و دمکراتیک حقیقی. برای آغاز آن، باید بدهی عمومی نجومی را که در سطح ۱۴۳ درصد تولید ناخالص داخلی قرار دارد، فسخ و بانک ها و شرکت های خصوصی بزرگ را که پول های ابرثروتمندان را در خود جای داده اند، تحت کنترل و مدیریت کارگران و مردم عادی، ملی کرد.



در بیانیه هایی که کمیته انترناسیونال کارگری در بیروت توزیع کرد، چنین آمده بود:

پیش به سوی ایجاد یک جنبش توده ای علیه رژیم فاسد و فرقه ای، برای پایان دادن به فقر و جنگ های داخلی!

بحران زباله، به یک خطر جدی برای سلامت همهٔ مردم لبنان، به خصوص طبقهٔ کارگر و فقرا مبدل شده است، و با وجود آن که راه حل های زیست محیطی و بهداشتی موجودند، طبقهٔ حاکم بر خصوصی سازی خدمات مرتبط با زباله تأکید دارد.

جنبش امروز، تنها باید نقطهٔ عزیمت ایجاد یک جنبش توده ای برای سرنگونی این نظام گندیده باشد، و نیاز دارد به گسترش و دخالت دادن وسیع ترین بخش ممکن از طبقهٔ کارگر، جوانان و بیکاران. این باید آغازی باشد بر پایان این رژیم فرقه ای که همسو با صاحبان سرمایه کلان است.

\* با اعمال مالکیت عمومی بر شرکت های زباله از طریق شوراهای محلی، به بحران زباله فوراً پایان دهید

\* تمامی فعالین زندانی را آزاد کنید

\* پیش به سوی ساختن یک جنبش توده ای متحد متشکل از کارگران و فقرا در برابر فرقه گرایی و سیاست های اقتصادی نئولیبرال

\* پیش به سوی مشارکت بیشترین تعداد اتحادیه های کارگری مستقل و کارگران بخش عمومی در جنبش

\* پیش به سوی یک برنامهٔ سوسیالیستی دمکراتیک، ریشه کن کردن فقر و بیکاری و جنگ.

۴ سپتامبر ۲۰۱۵

<http://www.socialistworld.net/doc/7322>

## اعتراضات لبنان

مصاحبه با «تامر مهدی»، از اعضای «کمیته انترناسیونال کارگری» در لبنان



### می توانی در مورد اتفاقات چند روز اخیر در لبنان توضیح بدهی؟

جرقه اولیه اتفاقات اخیر را یک بحران مرتبط با وضعیت زباله روشن کرد که از ماه پیش شروع شد. قرارداد یک شرکت خصوصی که مسئول جمع آوری زباله ها است به پایان رسید. از آن زمان تا به الان، حکومت این قرارداد را تمدید نکرده و در حال حاضر بین جناح های رقیب حکومت، یک درگیری درونی بر سر این که قرارداد جدید با کدام شرکت بسته شود، به وجود آمده.

این مسأله، هم تبانی بین احزاب حکومتی و منافع شرکت های بزرگ را نشان داده و هم فساد گسترده در پشت آن را. کسانی که از این بحران صدمه می بینند، ساکنین عادی پایتخت، بیروت، هستند و همین طور سایر شهرها، چون چند هفته است که زباله ها جمع آوری نشده و الان کوهی از آشغال در خیابان ها روی هم تلنبار شده.

هفته قبل، یک کمپین روی فیسبوک آغاز شد به اسم «طلعت ریحتکم!» (بویتان درآمد!)، با این هدف که ارتباط بین بحران زباله و «زباله سیاسی» در حکومت را ترسیم کند. این کمپین فراخوان به اعتراضات خیابانی



داد. همین حرکت تبدیل شد به نقطه اتکای خیلی از مردم تا خشم خودشان را نه فقط نسبت به معضل زباله که همین طور سایر مشکلات نشان بدهند.

شنبه گذشته (۲۲ اوت)، فراخوان به اعتراض عمومی در بیروت در مقابل پارلمان و کاخ نخست وزیر، با استقبال عظیم مردم رو به رو شد. جمعیت شرکت کننده به بیش از ده هزار نفر رسید: خانواده ها، جوانان، کارگران، افراد بیکار و غیره. اما تقریباً یک ساعت از شروع اعتراضات گذشت که نیروی نظامی لبنان که مسئول حفاظت از پارلمان بود، شروع کرد به استفاده از خشونت سیستماتیک برای سرکوب کردن تظاهرات. ضرب و شتم مردم آغاز شد و برای این کار از سلاح مسلسل خودشان به عنوان چماق استفاده کردند و برای ارباب مردم دور کردن شان از پارلمان چند تیر هوایی هم شلیک کردند و غیره. همه این ها در شرایطی انجام گرفت که اکثریت مطلق مردم در اعتراض مسالمت آمیز شرکت کرده بودند و هیچ طرخی برای استفاده از خشونت یا شورش و قیام نداشتند.

بعد از این سرکوب، اکثر خانواده هایی که فرزندان کوچک شان را همراه داشتند، منطقه را ترک کردند و چند صد خانواده، شاید مجموعاً بیش از هزار نفر، سعی کردند در میدان باقی بمانند. پلیس و ارتش تلاش کرد که آن ها را با تعقیب متفرق کند، و گلوله های پلاستیکی شلیک کرد. مردم شعار می دادند «ما نمی رویم، ما نمی رویم!» و این تعقیب و گریز تا تقریباً ۲ صبح به طول انجامید، و منجر به دستگیری تقریباً ۴۰ نفر از معترضین و بیش از ۵۰ زخمی شد. یک نفر از ناحیه شکم مورد اصابت گلوله پلاستیکی قرار گرفت و همین امروز از بیمارستان بیرون آمد.

## بعد از این چه اتفاقی افتاد؟

سازماندها اعتراض متفرق شدند، چون انتظار چنین واکنشی به کمپین خودشان را نداشتند. آن ها واقعاً آماده چنین سرکوبی نبودند و هیچ ارتباطی با سایر معترضین درباره چگونگی واکنش به این وضعیت نداشتند.

روز یکشنبه صبح، به یک تظاهرات دیگر فراخوان داده شد و این بار علیه خشونت پلیسی روز قبل. مردم حول و حوش ساعات ۱۱ صبح تجمع را در میدان شروع کردند و این مدتی ادامه پیدا کرد. اما هنگام شب، ناگهان گروهی از جوان هایی که وابسته به یک گروه فرقه ای شیعه هستند، وارد میدان شدند و سعی کردند برای کارشکنی به صفوف مردم نفوذ کنند، به همین دلیل سنگ پرتاب کردند و با پلیس درگیر شدند و غیره. دولت هم از این موضوع مجدداً برای سرکوب همه معترضین استفاده کرد. این بار به غیر شلیک گاز اشک آور و گلوله پلاستیکی، گلوله واقعی هم به سوی جمعیت شلیک شد. یک نفر از ناحیه سر مورد اصابت گلوله قرار

گرفت و در نتیجه وارد کما شد. او تقریباً تا مرز مرگ رفته بود، ولی به نظر می‌رسد که الآن دارد کمی بهتر می‌شود.

یک چنین واکنش وحشیانه‌ای از طرف دولت و احزاب فرقه‌ای به وضوح نشان می‌دهد که نخبگان حاکم از این جنبش واقعاً هراس دارند و در تلاش هستند که آن را نابود کنند. در سخنرانی‌های سیاستمداران، برخی از آن‌ها معترضین را متهم کردند که تحت تأثیر یک برنامه و طرح خارجی هستند؛ درست مثل «بن علی» یا «مبارک» که در گذشته تلاش می‌کردند با چنین گفته‌هایی، اعتراضات مردمی را بی‌اعتبار کنند. اما این تبلیغات به هیچ وجه جواب نمی‌دهد، تا امروز جنبش رشد کرده و بزرگ‌تر شده است.

### **می‌توانی کمی بیش‌تر در مورد خواسته‌های معترضین توضیح بدهی؟**

فساد و ارتشا مسألهٔ مرکزی است که همه دارند درباره‌اش می‌گویند و شکایت می‌کنند. اما معترضین خواهان نابودی این رژیم و سیاستمداران فاسد جنگ افروز هستند. شعار معروف مردمی در دورهٔ «بهار عربی»، یعنی «مردم سقوط رژیم را می‌خواهند» از همان ابتدا در این اعتراضات هم شنیده شد.

مشکل این هست که سازماندهان این کمپین، اساساً مطالبات خودشان را به بحران زباله محدود می‌کنند، در حالی که مردم در خیابان خیلی فراتر از این رفته‌اند. سازماندهان ابتدا خواهان استعفای حکومت بودند. الآن حتی همین مطالبه را هم کنار گذاشته‌اند و صرفاً دارند از استعفای وزیر محیط زیست صحبت می‌کنند. بنابراین از بسیاری جهات شما می‌توانید بگویید که مردم به مراتب رادیکال‌تر از سازماندهان این کمپین هستند. دیروز (دوشنبه) همین سازماندهان در تلاش بودند که اعتراضات بیش‌تر را تا شنبه به تعویق بیندازند. اما تظاهرات به هر حال پیش رفت، به طوری که الآن مردم نیروی محرکهٔ جنبش را دست‌شان گرفته‌اند و هر روز به طور خودانگیخته در خیابان‌ها ظاهر می‌شوند.

### **پیامدهای سیاسی این جنبش روی حکومت چه بوده؟**

حکومت خیلی سردرگم شده. نمی‌داند چه کار بکند و چه طور مردم را از خیابان‌ها برگرداند. سیاستمداران هم دیگران را مقصر این بحران می‌دانند.

اعتراض روز دوشنبه با همان سرکوب خشن قبلی اواخر هفته رو به رو نشد، چون رژیم از واکنش‌های انتقامی می‌ترسد. حکومت الآن واقعاً دارد به خود می‌لرزد و شاید یک زمانی ساقط شود. کل طبقهٔ حاکم به وحشت

افتاده، چرا که هیچ راه حلی برای ارائه کردن ندارد و می داند که مردم قصد ندارند به سادگی هر «راه حل» فاسدی را که ارائه شد، بپذیرند.

## به نظرت جنبش در روزهای آتی به چه شکل پیش می رود و فکر می کنی برای موفقیت آمیز بودن مبارزه چه کارهایی باید انجام شود؟

سازماندهان جنبش تصمیم گرفته اند که مطالبات را تنها به بحران زباله محدود کنند، و حتی صراحتاً اجازه نداده اند که برخی فعالین در سازماندهی جنبش شرکت کنند.

اما اگر همین طور پیش برود، کنترل شان بر جنبش را از دست خواهند دارند، چون معترضین چنین چیزی را نمی پذیرند. مطالبات مردم خصلت سیاسی روشنی دارد، نه فقط فساد را در کلیت آن هدف می گیرد، بلکه خواهان سقوط حکومت هم هست.

به عنوان عضو «کمیته انترناسیونال کارگری»، من از همان ابتدا گفته ام که این کمپین باید با موضوعاتی مثل بیکاری و فقر، خصوصی سازی و سقوط خدمات عمومی و افشای روابط بین احزاب فرقه ای و سرمایه داران بزرگ، مرتبط بشود. افشا کردن این که خصوصی سازی چه طور کار می کند و چگونه سیاستمداران فاسد میلیاردها پول از قبَل آن در می آورند. ما باید خواست ملی کردن خدمات مرتبط با زباله را مطرح کنیم، چون شهرداری ها باید این وظیفه را انجام دهند و نه شرکت های خصوصی که فقط به سود فکر می کنند. این جنبش باید یک برنامه طبقاتی داشته باشد که بتواند جوانان، کارگران، و بیکاران را از همه اجتماعات جذب و گرد هم متحد کند. این کمپین برای بسط حوزه خودش باید از اتحادیه های کارگری مستقل، به خصوص اتحادیه های بخش عمومی که طی ماه های اخیر درگیر اعتصابات بوده اند، بخواهد که به آن ها پیوندند.

تجربه چند روز اخیر و محدودیت های نگرش سازماندهان کمپین، یک چیز را برجسته می کند و آن نیاز به ساختارهای انتخاباتی دمکراتیک برای ساختن جنبش همراه با رهبرانی است که پاسخگوی اقدامات شان باشند. برپا کردن کمیته های محلی در مناطق مختلف، برای سازماندهی کمپین از پایین و جلب مردم بیش تری به آکسیون ها حیاتی است.

به علاوه ما به همبستگی بین المللی فعالین خارج از کشور برای کمک به تبلیغ این مبارزه در مقیاس وسیع تر نیاز داریم.

۲۵ اوت ۲۰۱۵



## لبنان: سرکوب پلیسی جوانان خواهان استعفای حکومت



تظاهرکنندگان در بیروت تحت سرکوب پلیسی شدیدی قرار دارند. ده ها تن مجروح و دست کم ۹۰ نفر از معترضین تاکنون بازداشت شده اند، و احتمال می رود این رقم طی ساعات آتی افزایش یابد. اعتراضات وسیع جوانان لبنان، که نام «طلعت ریحتکم!» (بویتان درآمد!) را به خود گرفته است، روز ۲۲ اوت آغاز شد.

جرقه این اعتراض، بحران تلنبار شدن زباله در پایتخت بود. ده ها هزار نفر از جوانان بیروت برای اعتراض به شرایط غیرقابل تحمل مردم عادی لبنان و همین طور علیه حکومت و برای پایان دادن به نظام فاسد، تجمع کردند. شعار اصلی این بود که «مردم خواهان سقوط رژیم هستند».

پایتخت لبنان چندین هفته است که زیر خروارها زباله و کثافات دفن شده است. قطع برق و کمبود آب از جمله مشکلات همیشگی مناطق فقیرنشین هستند. معترضین به سرعت خواهان استعفای حکومت و پیگیری تمامی مقامات فاسد شدند. این اعتراضات، به قطب جاذبه خشم و بیزاری روزافزون نسبت به نظام تبدیل شده و در حال فراروی از تقسیم بندی های فرقه ای و مذهبی در کشور است. دلیل پشت سرکوب جنبش نیز در همین امر نهفته است.

برای بسیاری از مردم لبنان، این زباله های تلنبار شده، به نماد فساد و گندیدگی در دولت لبنان مبدل است. نهادهای ذی ربط ناتوان از ارائه ابتدایی ترین خدمات هستند و نخبگان فاسد در جستجوی بهترین راه برای

غنی ساختن خود و دوشیدن منابع مالی دولتی. به علاوه این بحران نمادی از گنبدی رژیست است. درگیری میان باندهای مختلف اقتصادی برای انعقاد قراردادهای پرمفعت مدیریت و دفع زباله، یکی از دلایل آن است که چرا بحران کنونی تا چنان درجه ای شدت گرفته و به نظر می رسد هنوز با حل آن فاصله بسیاری است. طبق گزارش دیروز «رولا خلف» به فایننشال تایمز، بر روی بنر یکی از تظاهرکنندگان جنبش «طلعت ریحتکم»، نوشته شده بود «آشغال هایی هستند که نباید بازیافت شوند» و در کنار آن تصاویری از سران احزاب سیاسی نشان داده شده بود.

این جنبش، جوانان زیادی را از پیشینه های مختلف شیعه، سنی و همین طور درزی و مسیحی کشور به سوی خود جلب کرده است، کشوری که در آن شکاف ها و تقسیم بندی های فرقه ای و مذهبی از زمان جنگ داخلی در قالب قانون اساسی رسمیت یافته است. توازن بی ثبات و متزلزل بین جنگاوران سابق، هم چنان حفظ شده، اما به بهای کنترل دمکراتیک واقعی از سوی مردم لبنان و پدید آمدن نخبگان فاسد با سوء استفاده از نهادهای دولتی. بن بست کنونی را می توان به وضوح در ناتوانی از جایگزین کردن رئیس جمهور کشور طی ۱۸ ماه مشاهده کرد.

نخبگان حاکم تلاش کرده اند با کشیدن یک دیوار، مانع از حرکت تظاهر کنندگان به سوی پارلمان و ساختمان دولت شوند، اما تظاهر کنندگان در کم تر از ۲۴ ساعت بر این تلاش رقت انگیز آن ها غلبه کردند.

این جنبش خواهان پایان یافتن دستگاه فرقه ای نظام سیاسی است و این که امر سیاست به دست خود مردم فارغ از تقسیم بندی های فرقه ای و مذهبی بازپس داده شود. ما قویاً سرکوب پلیسی را محکوم می کنیم و آن اقدام یک رژیم سیاسی فاسد از فرط درماندگی برای حفاظت از امتیازات خود می دانیم.

۲۷ اوت ۲۰۱۵

<http://www.marxist.com/lebanon-police-repression-youth-demand.htm>